



Foresight the Political-Security Consequences of the Zionist Regime Presence in the Centcom Command Against the Islamic Republic of Iran Until 2028

Khalil Kolivand ^{1*}
Ali Sattarikhah ²

Received on: 12/05/2022

Accepted on: 29/08/2022

Abstract

The United States has made many efforts to establish peace between the Arabs and the Zionist regime over many years. In recent years, the United States has created major challenges for the region by transferring the Zionist regime from the European area of its army to the area of CENTCOM command. Therefore, the current research aims to predict the political-security consequences of the presence of the Zionist regime in the command area of CENTCOM against Iran, drawing the scenarios resulting from this issue until 2028. The current research is applied in terms of purpose. In terms of nature and method, it is an exploratory description based on the GBN (Global Business Network) scenario writing method. The statistical population includes 35 professors of armed forces universities, commanders, and managers in strategic jobs. Identification of key factors and driving forces has been done using library studies, brainstorming methods (expert panel), and scoring key factors and driving forces was carried out using expert opinions. To draw the scenarios, the scenario analysis method based on seven steps of scenario writing with the approach of critical uncertainties was used, and with the opinion of experts and quantitative analysis, four possible, believable, and likely scenarios were finally created with the titles of "Establishment of a Convergent Regional Security-Political System" (Miraculous Believable), "Regional Political-Stable Regional Security Agreement" (Optimistic Believable), "Regional Political-Security Stable Conflict" (Possibly Pessimistic) and "Regional Political-Security Nato" (Possibly Catastrophic)..

Keywords: Foresight, Political-Security Consequences, Zionist Regime, Centcom Command, Scenario Planning.

1*. M.A in Defense Futures Studies, Faculty of Social Sciences, Command University and Headquarters of the Islamic Republic of Iran Army, Tehran, Iran.
(Corresponding Author: K.koulivand@casu.ac.ir)

2. Assistant Professor of Strategic Management, Shahid Sattari University of Aviation Sciences and Technology, Tehran, Iran. (Email: alisattarikhah@yahoo.com).



آینده‌نگاری پیامدهای سیاسی - امنیتی حضور رژیم صهیونیستی در حوزه فرماندهی سنتکام علیه جمهوری اسلامی ایران تا افاق ۱۴۰۷

خلیل کولیوند^{*۱}

علی ستاری خواه^۲

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

ایالات متحده در برقراری صلح میان اعراب و رژیم صهیونیستی طی سالیان متمادی تلاش‌های متعددی داشته است. در سال‌های اخیر آمریکا با انتقال رژیم صهیونیستی از حوزه اروپایی ارتش خود به حوزه مسئولیتی و فرماندهی سنتکام، چالش‌های عمده‌ای را برای منطقه رقم زده است. از این رو پژوهش حاضر با هدف آینده‌نگاری پیامدهای سیاسی-امنیتی حضور رژیم صهیونیستی در حوزه فرماندهی سنتکام علیه ایران به ترسیم سناریوهای ناشی از این موضوع تا افاق ۱۴۰۷ پرداخته است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی اکتشافی است که بر پایه روش سناریونویسی GBN (شبکه جهانی کسب و کار) انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل ۳۵ نفر از اساتید دانشگاه‌های نیروهای مسلح، فرماندهان و مدیران در مشاغل راهبردی است. شناسایی عوامل کلیدی و نیروهای پیشران با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، روش‌های ذهن‌انگیزی (پنل خبرگی)، امتیازدهی به عوامل کلیدی و نیروهای پیشران با استفاده از نظر تخصصی خبرگان صورت پذیرفته است. برای ترسیم سناریوها از روش تجزیه و تحلیل سناریوپردازی مبتنی بر هفت گام سناریونویسی با رویکرد عدم قطعیت‌های بحرانی استفاده شد که با کسب نظر خبرگان و تحلیل‌های کمی انجام شده در نهایت چهار سناریو ممکن، باورپذیر و محتمل با عنوان‌های «استقرار نظام سیاسی-امنیتی منطقه‌ای همگرا» (باورپذیر معجزه‌آسا)، «توافق پایدار سیاسی-امنیتی منطقه‌ای» (باورپذیر خوش‌بینانه)، «جدال پایدار سیاسی-امنیتی منطقه‌ای» (محتمل بدبینانه) و «ناتوی سیاسی-امنیتی منطقه‌ای» (محتمل فاجعه‌آمیز) ترسیم شد.

واژگان کلیدی: آینده‌نگاری، پیامدهای سیاسی-امنیتی، رژیم صهیونیستی، فرماندهی سنتکام، سناریوپردازی.

*۱. کارشناسی ارشد آینده‌پژوهی دفاعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه فرماندهی (صفحه ۲۸۳-۳۲۲)

و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول: K.koulivand@casu.ac.ir)

۲. استادیار مدیریت راهبردی، دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری، تهران، ایران. (alisattarikhah@yahoo.com)

مقدمه

ارتش ایالات متحده آمریکا حضور نظامی خود را در عرصه جهانی به شش فرماندهی جغرافیایی مجزا شامل ستاد فرماندهی آفریقا^۱، ستاد فرماندهی مرکزی^۲، ستاد فرماندهی اروپایی^۳، فرماندهی شمالی^۴، ستاد فرماندهی اقیانوس هند-آرام^۵ و ستاد فرماندهی جنوبی^۶ تقسیم نموده که هر کدام از این شش ناحیه، سیاست دفاعی خاصی را برای این کشور در حوزه مسئولیت و فرماندهی خود اجرا می‌کنند. در این چارچوب، فرماندهی‌های مذکور در خصوص برنامه‌ریزی راهبردی، برنامه‌های آموزشی، سیاست‌های مبتنی بر رهنامه‌ها، فرایند پشتیبانی، اطلاعات، فناوری، پروسه تأمین تدارکات، اجرای عملیات و دیگر فعالیت‌های مهم نظامی در بخش‌های مسئولیتی خود با ارتش‌های کشورهای متحد همکاری و هماهنگی به عمل می‌آورند. علی‌رغم اینکه کشورهای منطقه غرب آسیا در حوزه مسئولیت و فرماندهی مرکزی (سنتکام) قرار دارند، اما با توجه به خصومت تاریخی رژیم صهیونیستی با کشورهای حال حاضر منطقه، این رژیم در حوزه مسئولیت فرماندهی اروپایی ارتش ایالات متحده قرار داشت که البته بعدها در حوزه مسئولیت و فرماندهی مرکزی در منطقه غرب آسیا، شرق آفریقا و آسیای مرکزی در راستای ارتقاء سطح عملیاتی، برخورداری از حمایت‌های همه‌جانبه نظامی و دفاعی و توسعه و گسترش روند عادی‌سازی روابط قرار گرفت.

بحران مشروعیت برای رژیم صهیونیستی در منطقه موضوعی است که به یک مسئله جدی برای آن تبدیل شده و به شیوه‌های مختلفی از جمله پیگیری مسیر عادی‌سازی روابط تلاش نموده این بحران را حل و خود را به‌عنوان کنشگری فعال در این حوزه مطرح و معرفی نماید که قرار گرفتن در حوزه مسئولیت و فرماندهی سنتکام در همین راستا صورت پذیرفت. از این رو مؤسسه یهودی امنیت ملی ایالات متحده از دو سال پیش این فکر را مطرح نمود و در پی انجام توافقات عادی‌سازی و کاهش سطح خصومت برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی یادداشت‌هایی در راستای حمایت از چنین اقدامی به نگارش درآورد.

از سوی دیگر وزارت دفاع ایالات متحده با هم‌سو نمودن رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی

-
- 1 . United States Africa Command
 - 2 . United States Central Command
 - 3 . United States European Command
 - 4 . United States Northern Command
 - 5 . United States Indo-Pacific Command
 - 6 . United States Southern Command

علیه آنچه تهدید ایران خوانده می‌شود، زمینه برقراری توافقات عادی‌سازی روابط برای طرفین را مهیا نموده است. رژیم صهیونیستی سال‌ها با نیروهای نظامی، دستگاه‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای اردن و مصر علیه جنبش حماس، جنبش اخوان‌المسلمین و ... همکاری داشته و در سال‌های اخیر نیز این همکاری امنیتی - اطلاعاتی را به سایر کشورهای عربی بسط و توسعه داده است (ساسانیان، ۱۳۹۸: صص ۲۶۹-۲۹۸). آنچه در توافقات صلح اعراب و رژیم صهیونیستی محقق شد، پیش‌زمینه‌ای برای ارتقاء و بهبود این همکاری‌ها گردید و انتقال این رژیم به حوزه مسئولیت و فرماندهی سنتکام عملاً تطبیق یافتن با این شرایط جدید است.

ویژگی مهم این انتقال که با هدف افزایش همکاری‌های راهبردی و عملیاتی میان رژیم صهیونیستی، اعراب و ایالات متحده صورت پذیرفته از یک سو و شرایط راهبردی و حساسی که برای جمهوری اسلامی ایران رقم می‌خورد، از سوی دیگر، پژوهشگران را بر آن داشته تا با رویکرد سناریوپردازانه، پیامدهای سیاسی - امنیتی حضور رژیم صهیونیستی در حوزه جغرافیایی فرماندهی سنتکام را تا افق ۱۴۰۷ علیه جمهوری اسلامی ایران ترسیم نمایند. برای این منظور ضروری است به سؤالات زیر که به‌نوعی اهداف اصلی و فرعی پژوهش را نیز پوشش می‌دهند، پاسخ داده شود.

- ۱- عوامل کلیدی (عامل‌های موفقیت و شکست) مرتبط با موضوع تحقیق کدام‌اند؟
- ۲- نیروهای پیشران هر یک از عوامل کلیدی مرتبط با موضوع تحقیق کدام‌اند؟
- ۳- عدم قطعیت‌های کلیدی مرتبط با موضوع تحقیق کدام‌اند؟
- ۴- شاخص‌های راهنمای هر سناریوها چیست؟

الف - مرور پیشینه تحقیق:

مطابق با بررسی‌های انجام شده در منابع تحقیقاتی و در پایگاه‌های اطلاعاتی و نشریات معتبر علمی، مواردی پیرامون موضوعاتی که به‌نوعی با این پژوهش مرتبط بوده‌اند، شناسایی شد اما این منابع همه متغیرها و ابعاد پژوهش حاضر را با هم بررسی ننموده‌اند و در آن‌ها فقط به برخی از مؤلفه‌های مدنظر محققین این پژوهش توجه شده که در ادامه نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها ارائه می‌گردد. ژنرال فلیپ جی. درمر^۱ در گزارشی که در سال ۲۰۲۰ با عنوان «یادداشت‌های سفر در مورد

1 . Philip J. Dermer

بازگشت به اسرائیل و کرانه باختری: تأملاتی درباره صلح‌آمیز بودن ایالات متحده، مأموریت امنیتی و آنچه باید انجام شود^۱ منتشر شده، به بررسی موضوع جابه‌جایی حوزه فرماندهی رژیم صهیونیستی پرداخته است. علاقه واقعی این مقاله در پیامی است که به مخاطبان مورد نظرش در رابطه با دیدگاه مقامات نظامی و سیاسی دولتی (ارزیابی صریح آن از کمبود تلاش‌های صلح ایالات متحده و سیستم گسترده‌تر سیاست‌گذاری آمریکا در رژیم صهیونیستی) در این رابطه انتقال می‌دهد. امروزه صحنه فلسطین، با تأکید ویژه بر گسست بین وضعیت میدانی و روند رهبری واشنگتن با برقراری اتحاد عربی، عبری و غربی شکل گرفته است (Dermer, 2020: Pp 66-81).

عرب‌پور و همکارانش در پژوهشی در سال ۱۴۰۱ با عنوان آینده‌پژوهی ائتلاف عبری - عربی و سناریوی محتمل اثرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به دنبال شناسایی محتمل‌ترین اثرات ائتلاف عربی، عبری و غربی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. در این پژوهش، محقق با رویکرد کیفی و بهره‌برداری از روش سناریونویسی هفت گام سناریویی پیتر شوارتز^۲ آثار ائتلاف عبری - عربی را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار داده است و سناریوهای محتمل را بر اساس پیشران‌های مؤثر و عدم قطعیت‌های احصاء شده بر آینده موضوع تدوین نموده است (عرب‌پور و همکاران، ۱۴۰۱: صص ۵۱۹-۵۳۹).

در پژوهشی دیگر که در سال ۱۴۰۰ توسط اختیاری امیری به انجام رسیده، عنوان گردیده که در سال‌های اخیر موضوع ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا دچار دگردیسی جدی شده و هم‌زمان عرصه میدانی و همچنین تعاملات فی‌مابین کشورهای منطقه را رقم زده است. این موضوع به‌نوعی حاصل از برهم‌کنش‌های متقابل بین تحولات میدانی و بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بوده که ناشی از ورود رژیم صهیونیستی به حوزه فرماندهی مرکزی ارتش ایالات متحده در منطقه غرب آسیا است. این امر به‌نوعی تقویت روند صلح آشکار و پنهان بین برخی از دولت‌های عربی حوزه خلیج فارس با این رژیم را دنبال می‌کند. شکل‌گیری و تقویت دیپلماسی صلح عربی، عبری و غربی در میان‌مدت و بلندمدت معادله قدرت و امنیت در منظومه ژئوپلیتیک غرب آسیا را به‌ویژه برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تغییر خواهد داد (اختیاری امیری، ۱۴۰۰: صص ۲۱-۴۰).

رسولی ثانی‌آبادی و روستایی در پژوهشی که در سال ۱۳۹۸ با عنوان موازنه تهدید و اتحاد اعراب

1 . Trip Notes on a Return to Israel and The West Bank: Reflections on U.S. Peacemaking, the Security Mission, and What Should be Done

2 . Peter Schwartz

و اسرائیل در برابر محور مقاومت به انجام رساندند، عنوان می‌کنند که در سال‌های اخیر با توجه به شرایط حساس جهانی و به‌ویژه رخداد تحولات منطقه‌ای و همچنین نزدیکی خاص اعراب و رژیم صهیونیستی تلاش شده تا شرایط در منطقه غرب آسیا به‌گونه‌ای رقم زده شود که منجر به تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی ایران و از دست رفتن موفقیت‌های حاصله برای محور مقاومت شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که به قدرت رسیدن محور مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران که منجر به تغییر نظم منطقه‌ای به سود ایران گردیده در نهایت به شکل‌دهی تهدیدی مشترک مابین کشورهای حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی گردیده به‌صورتی که تشکیل ائتلاف تاکتیکی بین آن‌ها برقرار گردیده و این رژیم با این فرایند در پی نقش‌آفرینی خود در حوزه فرماندهی سستکام و احیاء هویت از دست رفته‌اش است (رسولی ثانی‌آبادی و روستایی، ۱۳۹۸: صص ۱۱۳ - ۱۳۴).

با توجه به بررسی پیشینه پژوهش و موضوع مدنظر محققین ضروری است:

- پیامدهای حضور رژیم صهیونیستی با توجه به عدم موفقیت سناریوهای مختلف به‌کار گرفته شده توسط آمریکا در منطقه مورد ارزیابی قرار گیرد؛
- در برنامه‌ریزی‌های راهبردی و تصمیمات نظامی - امنیتی کشور و به‌خصوص در مأموریت‌های مستشاری نگاه به آینده لحاظ شود.

ضمناً آنچه به‌عنوان نوآوری و وجه تمایز کار می‌توان برای پژوهش حاضر مطرح نمود، این است که موضوع مذکور تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته فلذا با لحاظ نمودن عوامل کلیدی و عدم قطعیت‌هایی که می‌تواند بر موضوع مؤثر باشند، ابعاد مختلف این موضوع، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب- مبانی نظری و روش

۱- تشریح چارچوب نظری

امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان تنها بر سطح ملی در تحلیل امنیت متکی بود. از طرفی سطح جهانی نیز بسیار کلی و فاقد فهم کافی از امنیت برای کشور است؛ بنابراین آن‌ها سطح منطقه‌ای را به‌عنوان سطح تحلیل مناسب معرفی می‌کنند (نورمحمدی و فصیحی دولتشاهی، ۱۳۹۷: صص ۱۵۳-۱۸۹).

شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از یک طرف ناشی از تعامل میان ساختار آنارشیک و

پیامدهای آن برای توازن قوا و از طرف دیگر ناشی از فشارهای نزدیکی جغرافیایی است (Buzan & Waver, 2003: P 54). بر اساس این نظریه است که به‌منظور اینکه گروهی از دولت‌ها یا واحدها کیفیت مجموعه امنیتی منطقه‌ای داشته باشند بایستی از نظر امنیتی تا آن اندازه وابستگی متقابل داشته باشند که برای تبدیل آن‌ها به مجموعه‌های متصل و در عین حال مجزا از مناطق امنیتی پیرامون کفایت کند (بوزان و ویور، ۱۳۹۸: ص ۵۶).

در سطح منطقه‌ای، وجود رقابت شدید میان «متحدان عربی» آمریکا در حاشیه خلیج فارس و جمهوری اسلامی ایران از یک‌طرف و دشمنی میان «متحد عربی» آمریکا و جمهوری اسلامی ایران از طرف دیگر، مشخصه اصلی ساختار منطقه را شکل داده است. رقابت «متحدان عربی» و دشمنی «متحد عربی» آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، زمینه شکل‌گیری ائتلاف عربی - عربی را بوجود آورده که جایگزینی برای خروج نیروهای آمریکایی از منطقه غرب آسیا شده است (Al Sarhan, 2017: p454). برقرار نشدن توافق و ائتلاف بین متحدین آمریکا در منطقه غرب آسیا، تسلط منطقه‌ای آمریکا در این مناطق حساس را از بین برده و توافق احتمالی میان چین و جمهوری اسلامی ایران را هم باید مدنظر داشت. در صورت نهایی شدن این توافق در «بلندمدت» فضا برای نفوذ چین در منطقه و هم‌زمان گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران مهیا می‌گردد که نتیجه آن باخت آمریکا در منطقه خلیج فارس خواهد بود. در این میان، کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس عضوی از «سیستم تابعه‌ی خلیج فارس» هستند اما رژیم صهیونیستی جزء این سیستم نبوده و نمی‌تواند باشد. در خصوص حضور این رژیم در منطقه خلیج فارس و شرکت در نظم جدید منطقه‌ای مدنظر آمریکا باید به «نگرش سیستم تابعه» اسپیکل و کانتوری^۱، رجوع کرد (جلالی و مجد، ۱۳۹۵: صص ۶۴-۴۳).

طبق این نگرش، هر کشور بایستی فقط عضو یک سیستم منطقه‌ای باشد مگر اینکه قدرتمندترین دولت باشد که بتواند در «دستگاه‌های تابعه مختلف» حضور داشته باشد و یا اینکه برخی کشورهای دیگر که در «حداصل بین دو سیستم تابعه» هستند و ممکن است که عضوی از این دو سیستم تابعه به حساب بیایند. در این مورد آمریکا به‌عنوان ابرقدرت نظامی و قدرت اول اقتصادی دنیا در تمام سیستم‌های منطقه‌ای از جمله سیستم منطقه‌ای خلیج فارس حضور دارد. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک رژیم که عضو سیستم تابعه خاورمیانه است از طریق ائتلاف با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، خود را جزئی از این سیستم تابعه می‌داند و حضور خود را در منطقه از این

1 . Spiegel and Kantori

طریق توجیه می‌نماید (زارعی و همکاران، ۱۳۹۹: صص ۱-۲۲).

کاهش تعهدات آمریکا در منطقه، خروج این کشور از افغانستان و عراق، کاهش حمایت‌های دفاعی آن از متحدان عرب منطقه، مسئله ایران هسته‌ای و وقوع جنگ در یمن سبب ایجاد نوعی حس ناامنی در کشورهای حاشیه خلیج فارس شده که نتیجه نهایی آن ایجاد ائتلاف امنیتی جدید بین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی می‌باشد. هدف اصلی ائتلاف عربی - عبری را می‌توان طراحی راهکارهای مهار تهدید جمهوری اسلامی ایران در منطقه قلمداد نمود (سنایی، ۱۳۹۰: صص ۱۵۱-۱۸۰). از سوی دیگر با توجه به شکل‌گیری محور مقاومت و نزدیکی متحدان جمهوری اسلامی ایران به مرزهای جغرافیایی رژیم صهیونیستی در لبنان، فلسطین و سوریه، این رژیم همین سیاست را با قلمروگستری برای برقراری توازن یا ایجاد تقابل با تهدیدات جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته و از یک طرف فعالیت‌های خود را در کردستان عراق و آذربایجان گسترش داده و از سوی دیگر روابط خود را با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس توسعه داده است (Hughes, 2020: Pp 216-233).

رژیم صهیونیستی با وجود اینکه توسط دولت‌های منطقه به رسمیت شناخته نشده است، اما مورد حمایت گسترده و همه جانبه آمریکا قرار داشته و با نیروی نظامی و تسلیحات هسته‌ای خود، در زمره قدرت‌های منطقه‌ای طبقه‌بندی می‌شود. اگرچه رژیم صهیونیستی یکی از بازندگان تحولات بیداری اسلامی بود، اما این تحولات باعث به وجود آمدن زمینه‌های همکاری مشترک میان رژیم صهیونیستی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شد که با روی کار آمدن دونالد ترامپ این همکاری‌ها بر مبنای تهدید مشترک جمهوری اسلامی ایران، گسترش قابل توجهی یافت و به امضاء پیمان صلح ابراهیم ختم شد (کلهر و قاسمی، ۱۴۰۱: ۱۹۷-۲۲۸). این توافقنامه بر اساس ملاحظات امنیت ملی و به صورت دقیق‌تر برای تمرکز بر تهدید مشترک همه کشورهای منطقه یعنی جمهوری اسلامی ایران و متحدین مشترکش تنظیم شده است. هر چند به دلیل الگوهای منازعه ریشه‌دار و تعیین‌کننده در خاورمیانه، توافق صلح ابراهیم توان ایجاد اجماع امنیتی در منطقه را ندارد، اما کم رنگ شدن دشمنی اعراب - رژیم صهیونیستی در سایه این توافق می‌تواند الگوهای دوستی و دشمنی را بر هم بزند (تبشیری و رفیعی بصیری، ۱۴۰۱: صص ۲۹۵-۳۱۴).

از سوی دیگر حضور فیزیکی و نظامی نیروهای رژیم صهیونیستی در حوزه فرماندهی سنتکام با محوریت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را بایستی در عواملی همچون تغییر ماهیت روابط متقابل سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی با اعراب به خصوص کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس

جستجو نمود (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: صص ۱-۱۹).

انتقال رژیم صهیونیستی به دایره اختیارات سنتکام به تسهیل ایجاد شبکه منطقه‌ای دفاع موشکی منجر می‌شود. در حال حاضر آسیا ۴۰ درصد از حجم صادرات نظامی رژیم صهیونیستی را به خود اختصاص داده که می‌تواند دلیل خوبی برای ایجاد چارچوب همکاری جدید باشد این امر به معنای افزوده شدن مقر ایندوپاسیفیک^۱ به دایره همکاری‌های این رژیم با مقر فرماندهی‌های آمریکا باشد. اگرچه چین دشمن تل‌آویو نیست اما رابطه پکن-تهران ارزش ایجاد چارچوب آپیک (کمیته روابط عمومی آمریکا- رژیم صهیونیستی)^۲ را خواهد داشت. به این ترتیب، دایره نفوذ تل‌آویو به‌عنوان عنصری که قرار است خلاء کاهش حضور آمریکا در منطقه را جبران کند؛ از سطح منطقه فراتر می‌رود (Sanaei et al, 2011: Pp 203-228).

۲- تعیین روش مناسب

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی اکتشافی است. این پژوهش بر پایه رویکرد کیفی انجام شده که در پی گردآوری داده‌ها به منظور مفهوم‌سازی و ارائه تحلیل‌های تجویزی است. با توجه به اهمیت موضوع پژوهش و نظر به اینکه یکی از اهداف اصلی آن بسط نگاه راهبردی فرماندهان و مدیران در نیروهای مسلح به موضوع است، سعی شده پیامدهای امنیتی مرتبط با سناریوهای مورد نظر نیز مورد توجه قرار گیرد؛ لذا شناسایی خبرگان مؤثر و کارآمد در این پژوهش نقش به‌سزایی داشته و به همین منظور جامعه آماری این پژوهش به صورت باز تعریف شده است و صاحب‌نظران و خبرگانی را در نظر گرفته که توانایی کمک تحلیلی به اهداف پژوهش را داشته باشند.

۳- شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری هدفمند (انتخاب آگاهانه افراد یا عناصر مشخص برای پژوهش توسط پژوهشگر) و تعداد محدودی از افراد نمونه استفاده شده است. با توجه به ویژگی‌های مدنظر برای جامعه آماری، از دیدگاه‌های ۳۵ نفر استفاده گردید که دارای ویژگی‌های زیر بوده‌اند:

1 . INDOPACOM

2 . American Israel Public Affairs Committee

- برخورداری از نگاه راهبردی و عمیق به موضوع تحقیق؛
 - دارا بودن تحصیلات عالی در حوزه‌های امنیتی و آینده‌پژوهی؛
 - توانایی تحلیل و درک درست از موضوعات امنیتی و مقولات امنیت ملی؛ و
 - دارا بودن سابقه پژوهشی به‌منظور درک بیشتر و عمیق‌تر هدف از انجام پژوهش.
- در خصوص شیوه‌های گردآوری اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل، ابتدا به‌منظور مرور ادبیات، بررسی کتابخانه‌ای علمی و تخصصی انجام گردید، سپس در مراحل بعدی از روش‌های ذهن‌انگیزی و پنل‌های خبرگی استفاده شد. روش اصلی تجزیه و تحلیل پژوهش بر پایه سناریوپردازی مبتنی بر گام‌های سناریونویسی پیتر شوارتز استوار بوده است.

سناریوها نمایندگان برگزیده شده‌ای از فضای آینده‌های بدیل هستند. برای شناسایی آینده‌های بدیل و تبدیل آن‌ها به مجموعه سناریوها سه رویکرد کلی پیشنهاد شده است: رویکردهای استقرایی، فزاینده و استنتاجی (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴: ص ۱۸۱). سناریو^۱ نگاه به آینده از دریچه و چشم‌اندازی خاص است که در چارچوب آن، داستان ترسیم شده دارای سازگاری منطقی بوده و رخدادهای بیرون از حقیقت‌نمایی و خردورزی درتاروپود آن، جایی ندارد. سناریو، یعنی روایتی درباره آینده که شامل داستان‌هایی از گذشته و حال نیز خواهد بود (بل^۲، ۱۳۹۸: ص ۵۴۹) در اصل، هدف از تدوین سناریوها، ایجاد فضای بررسی مبتنی بر احتمالات در آینده‌های ممکن^۳ است، به‌گونه‌ای که بتوان استقامت و پایداری سیاست‌ها را در مقابل طیفی از چالش‌ها و پیشامدهای آینده آزمایش کنیم؛ در واقع سناریوها کمک می‌کنند تا بتوانیم شگفتی‌سازها^۴ را در چارچوب چالش‌های رخ داده شده یا فرصت‌های بالقوه‌ای که حادث می‌شود، شناسایی کنیم. سناریوها این امکان را برای ما فراهم می‌آورند که چگونه در شرایط محیطی مختلف آینده که سرشار از عدم قطعیت و پیچیدگی‌ها است، بتوانیم بیندیشیم و به تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و در واقع مدیریت صحنه آینده پردازیم (پدرام و زالی، ۱۳۹۷: ص ۶۴).

رویکردهای فزاینده و استقرایی به‌دلیل پیچیدگی‌های روش‌شناختی به‌شدت نیازمند تبحر و تجربه هستند. یکی دیگر از رویکردهای سناریوپردازی رویکرد استنتاجی^۵ است. این رویکرد کاربرد

1 . Scenario
2 . Wendell Bell
3 . Possible Futures
4 . Wild Cards
5 . Deductive

گسترده‌ای در سناریونویسی کیفی دارد و به شکلی منظم به تحلیل عدم قطعیت‌ها و سناریوها می‌پردازد (پدرام و زالی، ۱۳۹۷: ص ۵۹). بر پایه این رویکرد، الگوهای اجرایی متنوعی برای سناریوپردازی پیشنهاد شده است که مرسوم‌ترین آن‌ها در مکتب آمریکایی، الگوی «شبکه جهانی کسب و کار» معروف به GBN^۱ است که پیتر شوارتز در کتاب هنر دورنگری، این مراحل را به شرح زیر برمی‌شمرد:

- گام اول: شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی؛
 - گام دوم: شناسایی عوامل و عناصر کلیدی در محیط منطقه‌ای؛
 - گام سوم: شناسایی نیروهای کلیدی محیطی و پیشران‌های تغییر؛
 - گام چهارم: تحلیل و طبقه‌بندی نیروهای کلیدی محیطی بر اساس دو عامل اهمیت^۲ آن‌ها و عدم قطعیت‌ها آن‌ها؛
 - گام پنجم: منطبق‌دهی به سناریوها؛
 - گام ششم: پربار کردن سناریوها؛
 - گام هفتم: شناسایی پیامدها و انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما (شوارتز، ۱۳۹۰: ص ۲۲۶).
- گام هفتم پژوهش بعد از هر داستان سناریو در گام ششم مطرح شده است. در انتهای بخش یافته‌ها بررسی و اولویت‌بندی سناریوها نیز انجام گردیده است.

۳-۱- عدم قطعیت^۲

به عواملی گفته می‌شود که نتایج ناشناخته دارند و هنوز رخ نداده‌اند و همچنین نمی‌توان برای آن‌ها میزان احتمال وقوع خاصی را پیش‌بینی نمود. این عناصر همواره به‌طور ذاتی با عناصر نسبتاً مشخص مرتبط هستند و می‌توانید با به سؤال کشیدن مفروضات خود در زمینه این عناصر، آن‌ها را پیدا کنید (شوارتز^۳، ۱۳۹۰: ۲۲۶).

۳-۲- پیشران^۴

ساده‌ترین و رساترین تعریف برای پیشران این است که این‌ها نیروهای بزرگ تغییر هستند

1 . Global Business Network
2 . Uncertainty
3 . Peter Schwartz
4 . Driving Force

(شوارتز، ۱۳۹۰: ص ۲۲۶). روندهای نوظهور و مؤلفه‌های فناورانه، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بسیار زیادی بر آینده موضوع اثر می‌گذارند. برخی از این مؤلفه‌ها دارای عدم قطعیت زیاد و برخی دیگر تا حدودی قابل پیش‌بینی‌اند. مؤلفه‌های دارای عدم قطعیت بالا، تصمیم‌گیری را برای مدیران در حوزه‌های ذی‌ربط، پیچیده و دشوار می‌سازد (رضایان قیه‌باشی و همکاران، ۱۳۹۶: صص ۱۰۳-۱۲۸) پیشران‌ها از دو جهت برای ما دارای اهمیت هستند، از یک سو در مقام توصیف، آینده را بر مبنای آن‌ها توصیف می‌کنیم و از سوی دیگر، تجویزهایی که برای تغییر در آینده ارائه می‌شوند، نیز متکی به همین نیروهای پیشران است (پدرام و احمدیان، ۱۳۹۴: ص ۱۸۷).

پ- تحلیل و تبیین داده‌های تحقیق

سناریونویسی از مهم‌ترین و مشهورترین روش‌های آینده‌پژوهی است که شامل شرح رویدادهای آینده بوده که تحت شرایط معین، ممکن است به وقوع بپیوندد. سناریوها تصاویری از آینده مطلوب، محتمل و ممکن هستند که هدف از به‌کار بردن آن‌ها در واقع مورد آزمایش قراردادن عملکردها، سیاست‌ها و راهبردهای اتخاذ شده در مقابله با چالش‌های آینده است که به ایجاد و ترسیم فضایی از آنچه که ممکن است رخ بدهد، می‌انجامد. به همین دلیل سناریوها با هدف کشف سیستماتیک چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی موضوعات مختلف، به نوعی به تدوین راهبردها کمک می‌کنند. بر اساس آنچه در بخش روش‌شناسی مطرح شد تجزیه و تحلیل داده‌ها به شرح گام‌های مطرح شده در ادامه پژوهش، صورت می‌پذیرد:

۱- گام اول: شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی

در این گام، موضوع پژوهش یا تصمیم‌های حاصل از انجام پژوهش که آثار بلندمدتی دارند، تعریف و مطرح می‌گردد. بدیهی است هرچقدر گستره موضوع مورد بحث محدودتر باشد، تدوین سناریوها آسان‌تر می‌گردد، در این گام گفتگو و مصاحبه با تصمیم‌سازان برای تشخیص و روشن‌تر شدن تصمیم‌گیری و ارائه پاسخ منطقی به موضوع اصلی انجام می‌شود. با توجه به موضوع مطرح شده توسط محققین، می‌توان گفت موضوع اصلی سناریوهای مدنظر در رابطه با آینده‌نگاری پیامدهای سیاسی-امنیتی حضور رژیم صهیونیستی در حوزه فرماندهی سنتکام علیه جمهوری اسلامی ایران تا افق ۱۴۰۷ می‌باشد.

۲- گام دوم: شناسایی عوامل و عناصر کلیدی در محیط منطقه‌ای

در این گام و بر اساس آنچه که در گام قبل مطرح شد، چهار طرح سناریویی پیش فرض به شرح جدول ۱ مطرح می‌گردد.

جدول ۱- عناوین طرح‌های سناریوی اصلی مرتبط با موضوع تحقیق

ردیف	عنوان طرح‌های سناریویی	نوع سناریو
۱	ناتوی سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	فاجعه‌آمیز
۲	توافق پایدار سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	خوش‌بینانه
۳	جدال پایدار سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	بدبینانه
۴	استقرار نظام سیاسی - امنیتی منطقه‌ای همگرا	معجزه‌آسا

(منبع: نویسنده)

بعد از مشخص شدن موضوع یا تصمیم‌های اصلی، فهرستی از مهم‌ترین عواملی که تأثیر مستقیم بر پیامد تصمیم‌های شناخته شده دارند، تهیه می‌شود. این عوامل بر موفقیت یا ناکامی تصمیمات، تأثیر می‌گذارند. هدف از این گام عمدتاً فهم تحلیلی از تصمیم یا موضوع تحقیق است. با مراجعه به منابع مختلف مرتبط با موضوع تحقیق، مهم‌ترین عوامل مؤثر تأثیرگذار (با تأثیرهای مثبت و منفی) بر موضوع تحقیق و طرح‌های سناریویی به شرح جدول ۲ ارائه می‌گردد.

جدول ۲- عوامل کلیدی اثرگذار و اثرپذیر بر موضوع پژوهش

ردیف	عوامل کلیدی اثرگذار و اثرپذیر
۱	دستیابی به قرائت یکسان سیاسی-امنیتی منطقه‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس
۲	تأمین امنیت منطقه با همکاری کشورهای منطقه
۳	عدم حضور کشورهای فرامنطقه‌ای (آمریکا، انگلستان، کانادا و...) در منطقه
۴	رونق اقتصادی و اجتماعی در منطقه
۵	پیمان‌های نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس
۶	بحران‌آفرینی نظامی منطقه‌ای
۷	استقرار نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی خلیج فارس
۸	تحمیل جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران

ادامه جدول ۲- عوامل کلیدی اثرگذار و اثرپذیر بر موضوع پژوهش

ردیف	عوامل کلیدی اثرگذار و اثرپذیر
۹	تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس
۱۰	قطع روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس
۱۱	فراز و فرود تنش‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای
۱۲	تحقق سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی
۱۳	شکل‌گیری نشست‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای
۱۴	فراهم شدن بسترهای همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای
۱۵	فراهم شدن زمینه‌های خروج کشورهای فرامنطقه‌ای از منطقه
۱۶	تعاملات رو به افزایش در جهت همگرایی اقتصادی و اجتماعی در منطقه

(منبع: نویسنده)

پس از شناسایی و تبیین عامل‌های کلیدی، اقدام به تخصیص آن‌ها به هر یک از طرح‌های سناریویی پیش‌فرض می‌گردد (جدول ۳).

جدول ۳- عامل‌های کلیدی تأثیرگذار بر و تأثیرپذیر از چهار طرح سناریویی

عوامل کلیدی طرح سناریو اول	عوامل کلیدی طرح سناریو دوم	عوامل کلیدی طرح سناریو سوم	عوامل کلیدی طرح سناریو چهارم
دستیابی به قرائت یکسان سیاسی - امنیتی منطقه‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس	شکل‌گیری پیمان‌های نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه خلیج فارس	تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس	شکل‌گیری نشست‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای
تأمین امنیت منطقه با همکاری کشورهای منطقه	بحران‌آفرینی نظامی منطقه‌ای توسط رژیم صهیونیستی	قطع روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس	فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای
عدم حضور کشورهای فرامنطقه‌ای (آمریکا، انگلستان، کانادا و ...) در منطقه	استقرار نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه کشورهای خلیج فارس	فراز و فرود تنش‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	فراهم شدن زمینه‌های خروج کشورهای فرامنطقه‌ای از منطقه
رونق اقتصادی و اجتماعی در منطقه	تحمیل جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران	تحقق سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای اسرائیل	تعاملات رو به افزایش در جهت همگرایی اقتصادی و اجتماعی در منطقه

(منبع: نویسنده)

سپس در جداول تعیین میزان ارتباط کمی عامل‌های کلیدی تأثیرگذار بر و تأثیرپذیر از موضوع مدنظر پژوهش، هر یک از طرح‌های سناریویی چهارگانه منظور می‌شوند تا با وارد کردن امتیازهای مناسب در هر ستون، جداول تهیه و تنظیم گردد (جداول شماره ۴ تا ۷). در ذیل هر جدول، تجزیه و تحلیل مربوط به داده‌های آن درج شده است.

جدول ۴- تعیین میزان ارتباط کمی عامل‌های کلیدی تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر سناریو اول

ردیف	عامل‌های کلیدی	نسبت درصد تأثیر	میزان نفوذ	توضیحات
۱	دستیابی به قرائت یکسان سیاسی - امنیتی منطقه‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس	٪۴۰	قوی	تحقق امنیت دسته‌جمعی
۲	تأمین امنیت منطقه با همکاری کشورهای منطقه	٪۳۰	متوسط	تحقق اهداف فراملی
۳	عدم حضور کشورهای فرامنطقه‌ای (آمریکا، انگلستان، کانادا و...) در منطقه	٪۱۰	خیلی ضعیف	پایین‌ترین ضریب احتمال
۴	رونق اقتصادی و اجتماعی در منطقه	٪۲۰	ضعیف	گسترده‌ترین عامل کلیدی
	جمع	۱۰۰		

(منبع: نویسنده)

بر اساس نسبت تأثیر عوامل کلیدی در این سناریو، دستیابی به قرائت یکسان سیاسی - امنیتی منطقه‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس به‌عنوان عامل تأثیرگذار قوی ارزیابی شده و پس از آن، عامل کلیدی تأمین امنیت منطقه با همکاری کشورهای منطقه که منجر به تعریف و اجرایی گردیدن منافع فراملی می‌گردد در رتبه بعدی قرار داشته و عامل عدم حضور کشورهای فرامنطقه‌ای (آمریکا، انگلستان، کانادا و...) در منطقه با نسبت تأثیر خیلی ضعیف در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. توضیح اینکه نسبت درصد تأثیرها بر اساس نظر و آرا خبرگان و میانگین‌گیری از نظرات ایشان اختصاص یافته است.

شکل‌گیری پیمان‌های نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس که در نهایت موجب ساختار بندی ناتوی خلیج فارس با میزان ۴۵ درصد تأثیرگذاری و کمترین میزان نفوذ جمهوری اسلامی ایران در جلوگیری از تحقق آن حائز اهمیت است؛ در این میان عامل کلیدی تحمیل جنگ

علیه جمهوری اسلامی ایران با توجه به ضریب نفوذ بالای جمهوری اسلامی ایران بر محور مقاومت در این سناریو مطرح است.

جدول ۵- تعیین میزان ارتباط کمی عامل‌های کلیدی تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر سناریو دوم

ردیف	عامل‌های کلیدی	نسبت تأثیر	میزان نفوذ	توضیحات
۱	شکل‌گیری پیمان‌های نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه خلیج فارس	٪۴۵	خیلی ضعیف	تشکیل ناتو خلیج فارس
۲	بحران آفرینی نظامی منطقه‌ای توسط رژیم صهیونیستی	٪۲۵	ضعیف	مؤثرترین عامل کلیدی
۳	استقرار نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه کشورهای خلیج فارس	٪۲۰	متوسط	تعامل راهبردی رژیم صهیونیستی و اعراب
۴	تحمیل جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران	٪۱۰	قوی	توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران
	جمع	۱۰۰		

(منبع: نویسنده)

جدول ۶- تعیین میزان ارتباط کمی عامل‌های کلیدی تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر سناریو سوم

ردیف	عامل‌های کلیدی	نسبت تأثیر	میزان نفوذ	توضیحات
۱	تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس	٪۳۶	قوی	مؤثرترین عامل کلیدی
۲	قطع روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس	٪۱۹	متوسط	عدم تحقق برجام
۳	فراز و فرود تنش‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	٪۱۵	ضعیف	جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دشمن مشترک
۴	تحقق سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی	٪۳۰	متوسط	ائتلاف‌سازی
	جمع	۱۰۰		

(منبع: نویسنده)

نقش عامل کلیدی تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس با توجه به تفاوت‌های ماهیتی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عربی در کنار تعارض دیرینه هویت عربی با هویت ایرانی که متبلورکننده هویت شیعی در برابر هویت سنی است؛ منشأ تأثیرگذار اصلی در تحقق این سناریو است.

جدول ۷- تعیین میزان ارتباط کمی عامل‌های کلیدی تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر سناریو چهارم

ردیف	عامل‌های کلیدی	نسبت تأثیر	میزان نفوذ	توضیحات
۱	شکل‌گیری نشست‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	٪۳۰	قوی	تعامل راهبردی
۲	فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	٪۳۳	خیلی قوی	اعتمادسازی
۳	فراهم شدن زمینه‌های خروج کشورهای فرامنطقه‌ای از منطقه	٪۱۲	خیلی ضعیف	-
۴	تعاملات رو به افزایش در جهت همگرایی اقتصادی و اجتماعی در منطقه	٪۲۵	متوسط	همگرایی اقتصادی
	جمع	۱۰۰		

(منبع: نویسنده)

چهارمین سناریو یعنی توافق پایدار سیاسی - امنیتی منطقه‌ای توسط عامل کلیدی فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای با محوریت اعتمادسازی؛ تغییر نگرش تصمیم‌سازان داخلی و واقع‌بینی محقق می‌گردد. شایان‌ذکر است عامل کلیدی شکل‌گیری نشست‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای به‌عنوان گسترده‌ترین و قابل‌قبول‌ترین راهبرد بر اساس تجربه دوره اصلاحات؛ می‌تواند با تکیه بر تشنج‌زدایی، اعتمادسازی و اجتناب از تمامیت‌خواهی، پایه روابط مستحکمی را بر اساس احترام متقابل و تأمین مصالح ملی بنا نموده و رقابت‌های منفی را تبدیل به رفاقت و رقابت مثبت و تعامل را جایگزین تقابل نماید.

۳- گام سوم: شناسایی نیروهای کلیدی محیطی و پیشران‌های تغییر

با مبنا قراردادن عامل‌های کلیدی چهار طرح سناریویی و موضوع تحقیق ذی‌ربط در گام دوم، عناوین نیروهای پیشران هدایت‌کننده و تأثیرگذار بر عامل‌های کلیدی مربوط به موضوع تحقیق، تعیین

می‌شود. به بیانی دیگر نیروهای پیشران، تغییرات عامل‌های کلیدی در ابعاد مختلف اعم از تجهیزاتی، نیروی انسانی، روشی، تأمین فیزیکی و غیرفیزیکی متناسب با چهار طرح سناریویی و موضوع تحقیق را تعیین می‌کنند. دانستن این‌که چه نیروهای پیشرانی ضروری و غیرقابل اجتناب است و چه نیروهای پیشرانی غیرقابل پیش‌بینی هستند، بسیار مهم است (جدول ۸).

جدول ۸- نیروهای کلیدی محیطی و پیشران‌های تغییر طرح‌های سناریویی چهارگانه

نیروی پیشران	عوامل کلیدی
دیپلماسی اقتصادی	رونق اقتصادی و اجتماعی در منطقه
	قطع روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس
	تعاملات رو به افزایش در جهت همگرایی اقتصادی و اجتماعی در منطقه
امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)	دستیابی به قرائت یکسان سیاسی - امنیتی منطقه‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس
	تأمین امنیت منطقه با همکاری کشورهای منطقه
	تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس
	شکل‌گیری نشست‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای
ناتوی خلیج فارس	فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای
	عدم حضور کشورهای فرامنطقه‌ای (آمریکا، انگلستان، کانادا و ...) در منطقه
	شکل‌گیری پیمان‌های نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس
	استقرار نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی کشورهای خلیج فارس
ائتلاف‌سازی تقابلی	فراهم شدن زمینه‌های خروج کشورهای فرامنطقه‌ای از منطقه
	تحقق سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی
واگرایی منطقه‌ای	فراز و فرود تنش‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای
	تحمیل جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران
	بحران‌آفرینی نظامی منطقه‌ای توسط رژیم صهیونیستی

(منبع: نویسنده)

در ادامه این گام به منظور تعیین میزان ارتباط و تأثیر نیروهای پیشران بر عامل‌های کلیدی هر یک از طرح‌های سناریویی چهارگانه با نظر کارشناسی خبرگان اقدام به تهیه و تکمیل جداول تعیین میزان ارتباط و تأثیر نیروهای پیشران بر عامل‌های کلیدی هر یک از طرح‌های سناریویی می‌شود. عامل‌های

کلیدی در اولین سطر جدول به ترتیب «نسبت درصد تأثیر» مشخص شده در جداول در گام دوم انتخاب می‌شوند. نیروهای پیشران نیز در اولین ستون از سمت راست در جداول طرح‌های سناریویی چهارگانه درج می‌گردد. در ادامه با استفاده از جدول ۹ و کسب نظر خبرگان، امتیازات هر یک از نیروهای پیشران تعیین می‌شود. هنگامی که تمامی خانه‌های جدول طرح‌های سناریویی طی جلسات کارشناسی تکمیل شد، با تقسیم حاصل جمع عوامل کلیدی بر حاصل جمع نیروهای پیشران، میزان ارتباط کمی نیروهای پیشران با عوامل کلیدی تعیین می‌گردد.

جدول ۹- ترجیحات قضاوتی جهت کسب نظر خبرگان

ارتباط خیلی قوی	ارتباط قوی	ارتباط متوسط	ارتباط ضعیف	بی‌ارتباط
۹	۷	۵	۳	۱

(منبع: نویسنده)

برای تخصیص ترجیحات قضاوتی به هر نیروی پیشران بعد از کسب نظر خبرگان با استفاده از خاصیت مُد (بیشترین تعداد تکرار نظر خبرگان برای هر عامل) رأی نهایی برای هر مورد ترجیح قضاوتی تعیین گردید.

جدول ۱۰- تعیین میزان ارتباط و نسبت تأثیر کمی نیروهای پیشران با عوامل کلیدی طرح سناریویی اول

عوامل کلیدی نیروهای پیشران	دستیابی به قرائت یکسان سیاسی - امنیتی منطقه‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس		تأمین امنیت منطقه با همکاری کشورهای منطقه (غربی و ... در منطقه)		عدم حضور کشورهای فرامنطقه‌ای (غربی و ... در منطقه)		رونق اقتصادی و اجتماعی در منطقه		جمع امتیاز نیروهای پیشران
	۷	۱/۰۴	۷	۰/۹۶	۳	۰/۸۸	۹	۱/۱۲	
دیپلماسی اقتصادی	۷	۱/۰۴	۷	۰/۹۶	۳	۰/۸۸	۹	۱/۱۲	۲۶
امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)	۹	۰/۹۶	۹	۰/۸۹	۳	۰/۸۲	۷	۱/۰۴	۲۸
ناتوی خلیج فارس	۳	۱/۶۹	۱	۱/۵۶	۹	۱/۴۴	۳	۱/۸۱	۱۶
ائتلاف‌سازی تقابلی	۷	۱/۰۴	۷	۰/۹۶	۵	۰/۸۸	۷	۱/۱۲	۲۶
واگرایی منطقه‌ای	۱	۳/۳۸	۱	۳/۱۳	۳	۲/۸۸	۳	۳/۶۳	۸
جمع امتیازهای عوامل کلیدی	۲۷		۲۵		۲۳		۲۹		

(منبع: نویسنده)

از تقسیم جمع امتیازهای به‌دست‌آمده برای هر عامل کلیدی بر امتیاز تخصیص یافته به هر پیشران میزان نسبت تأثیر نیروهای پیشران با عامل‌های کلیدی به دست می‌آید. برای اولویت‌بندی نیروهای پیشران برحسب عامل‌های کلیدی نیز در هر ردیف نیروی پیشران با بیشترین امتیاز انتخاب می‌گردد که با توجه به عدد به‌دست‌آمده در این مرحله اولویت‌بندی نهایی نیروهای پیشران برحسب عامل‌های کلیدی تعیین می‌شود. با توجه به آنچه مطرح شد، نیروی پیشران واگرایی منطقه‌ای با عامل کلیدی رونق اقتصادی و اجتماعی در منطقه با بیشترین ارتباط و تأثیر کمی ۳/۶۳ در اولویت اول، نیروی پیشران ناتوی خلیج فارس با عامل کلیدی رونق اقتصادی و اجتماعی در منطقه با میزان نسبت تأثیر ارتباط کمی ۱/۸۱ در اولویت دوم، نیروی پیشران دیپلماسی اقتصادی و نیروی پیشران ائتلاف‌سازی تقابلی با عامل کلیدی رونق اقتصادی و اجتماعی در منطقه با میزان نسبت تأثیر ارتباط کمی ۱/۱۲ هر دو در اولویت سوم و نیروی پیشران امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی) با عامل کلیدی رونق اقتصادی و اجتماعی در منطقه با میزان نسبت تأثیر ارتباط کمی ۱/۰۴ در اولویت چهارم قرار می‌گیرد.

جدول ۱۱- تعیین میزان ارتباط کمی نیروهای پیشران با عوامل کلیدی طرح سناریوی دوم

جمع امتیاز نیروهای پیشران	تحمیل جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران	استقرار نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی کشورهای خلیج فارس		بحران آفرینی نظامی منطقه‌ای		شکل‌گیری پیمان‌های نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس		عوامل کلیدی نیروهای پیشران	
		۵	۱/۵۵	۵	۱/۲۵	۵	۱/۱۵	۵	
۲۰	۱/۲۵	۵	۱/۵۵	۵	۱/۲۵	۵	۱/۱۵	۵	دیپلماسی اقتصادی
۸	۳/۱۳	۱	۳/۸۸	۳	۳/۱۳	۳	۲/۸۸	۱	امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)
۳۴	۰/۷۴	۹	۰/۹۱	۹	۰/۷۴	۷	۰/۶۸	۹	ناتوی خلیج فارس
۱۸	۱/۳۹	۳	۱/۷۲	۷	۱/۳۹	۵	۱/۲۸	۳	ائتلاف‌سازی تقابلی
۲۴	۱/۰۴	۷	۱/۲۹	۷	۱/۰۴	۵	۰/۹۶	۵	واگرایی منطقه‌ای
	۲۵		۳۱		۲۵		۲۳		جمع امتیازهای عوامل کلیدی

(منبع: نویسنده)

با توجه به آنچه در توضیح جدول ۱۰ مطرح شد نیروی پیشران امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی) با عامل کلیدی استقرار نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی کشورهای خلیج فارس با میزان

نسبت تأثیر ارتباط کمی ۳/۸۸ در اولویت اول، نیروی پیشران ائتلاف‌سازی تقابلی با عامل کلیدی استقرار نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی کشورهای خلیج‌فارس با میزان نسبت تأثیر ارتباط کمی ۱/۷۲ در اولویت دوم، نیروی پیشران دیپلماسی اقتصادی با عامل کلیدی استقرار نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی کشورهای خلیج‌فارس با میزان نسبت تأثیر ارتباط کمی ۱/۵۵ در اولویت سوم، نیروی پیشران واگرایی منطقه‌ای با عامل کلیدی استقرار نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی کشورهای خلیج‌فارس با میزان نسبت تأثیر ارتباط کمی ۱/۲۹ در اولویت چهارم و نیروی پیشران ناتوی خلیج‌فارس با عامل استقرار نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی کشورهای خلیج‌فارس با میزان نسبت تأثیر ارتباط کمی ۰/۹۱ در اولویت پنجم قرار می‌گیرند.

جدول ۱۲- تعیین میزان ارتباط کمی نیروهای پیشران با عوامل کلیدی طرح سناریویی سوم

جمع امتیاز نیروهای پیشران	تحقق سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی		فرازوفروود تنش‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای		قطع روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه خلیج‌فارس		تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه خلیج‌فارس		عوامل کلیدی نیروهای پیشران
	۱/۰۴	۵	۱/۱۹	۵	۱/۳۵	۹	۱/۳۵	۷	
۲۶	۱/۰۴	۵	۱/۱۹	۵	۱/۳۵	۹	۱/۳۵	۷	دیپلماسی اقتصادی
۲۴	۱/۱۳	۵	۱/۲۹	۷	۱/۴۶	۵	۱/۴۶	۷	امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)
۳۰	۰/۹۰	۵	۱/۰۳	۷	۱/۱۷	۹	۱/۱۷	۹	ناتوی خلیج‌فارس
۱۶	۱/۶۹	۵	۱/۹۴	۵	۲/۱۹	۳	۲/۱۹	۳	ائتلاف‌سازی تقابلی
۳۲	۰/۸۴	۷	۰/۹۷	۷	۱/۰۹	۹	۱/۰۹	۹	واگرایی منطقه‌ای
	۲۷		۳۱		۳۵		۳۵		جمع امتیازهای عوامل کلیدی

(منبع: نویسنده)

با توجه به آنچه در توضیح جدول ۱۰ مطرح شد نیروهایی پیشران ائتلاف‌سازی تقابلی با عامل کلیدی تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس و قطع روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس با میزان نسبت تأثیر ارتباط کمی ۲/۱۹ در اولویت اول، نیروی پیشران امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی) با عامل کلیدی تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس و قطع روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با

کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس با میزان نسبت تأثیر ارتباط کمی ۱/۴۶ در اولویت دوم، نیروهای پیشران دیپلماسی اقتصادی با عامل کلیدی تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و قطع روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس با میزان نسبت تأثیر ارتباط کمی ۱/۳۵ در اولویت سوم، نیروهای پیشران ناتوی خلیج فارس با عامل کلیدی تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و قطع روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس با میزان نسبت تأثیر ارتباط کمی ۱/۱۷ در اولویت چهارم و نیروهایی پیشران واگرایی منطقه‌ای با عامل کلیدی تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و قطع روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس با میزان نسبت تأثیر ارتباط کمی ۱/۰۹ در اولویت پنجم قرار می‌گیرد.

جدول ۱۳- تعیین میزان ارتباط کمی نیروهای پیشران با عوامل کلیدی طرح سناریوی چهارم

جمع امتیاز نیروهای پیشران	تعاملات رو به افزایش در جهت همگرایی اقتصادی و اجتماعی در منطقه		فراهم شدن زمینه‌های خروج کشورهای فرامنطقه‌ای از منطقه		فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای		شکل‌گیری نشست‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای		عوامل کلیدی نیروهای پیشران
۲۸	۰/۸۲	۹	۰/۶۸	۵	۰/۸۹	۷	۰/۸۲	۷	دیپلماسی اقتصادی
۳۲	۰/۷۲	۷	۰/۵۹	۷	۰/۷۸	۹	۰/۷۲	۹	امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)
۱۰	۲/۳۰	۳	۱/۹۰	۱	۲/۵۰	۳	۲/۳۰	۳	ناتوی خلیج فارس
۱۲	۱/۹۲	۳	۱/۵۸	۳	۲/۰۸	۳	۱/۹۲	۳	ائتلاف‌سازی تقابلی
۸	۲/۸۸	۱	۲/۳۸	۳	۳/۱۳	۳	۲/۸۸	۱	واگرایی منطقه‌ای
		۲۳		۱۹		۲۵		۲۳	جمع امتیازهای عوامل کلیدی

(منبع: نویسنده)

بر اساس آنچه در توضیحات جدول ۱۰ مطرح گردید، نیروی پیشران واگرایی منطقه‌ای با عامل کلیدی فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای با میزان نسبت ارتباط و تأثیر کمی ۳/۱۳ در اولویت اول، نیروی پیشران ناتوی خلیج فارس با عامل کلیدی فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای با میزان نسبت ارتباط و تأثیر کمی ۲/۵۰ در اولویت دوم، نیروی پیشران

ائتلاف‌سازی تقابلی با عامل کلیدی فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای با میزان نسبت ارتباط و تأثیر کمی ۲/۰۸ در اولویت سوم، نیروی پیشران دیپلماسی اقتصادی با عامل کلیدی فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای با میزان نسبت ارتباط و تأثیر کمی ۰/۸۹ در اولویت چهارم و نیروی پیشران امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی) با عامل کلیدی فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای با میزان نسبت ارتباط و تأثیر کمی ۰/۷۸ اولویت پنجم قرار می‌گیرند.

۴- گام چهارم: تحلیل و طبقه‌بندی نیروهای کلیدی محیطی بر اساس دو عامل اهمیت آن‌ها و عدم قطعیت‌ها آن‌ها

این گام را می‌توان قلب فرایند سناریونویسی دانست. در این گام با کسب نظر خبرگان میزان عدم قطعیت عوامل کلیدی در هر چهار سناریو بررسی می‌شود. در این گام به‌منظور شناسایی و تعیین عدم قطعیت‌های کلیدی وارد بر موضوع پژوهش، به این نکته بایستی توجه نمود که عواملی به عنوان عدم قطعیت شناسایی می‌شوند که از اهمیت کمتر و اجماع بیشتر برخوردار باشد. برای این منظور از خبرگان درخواست گردید با توجه به این نکته (اهمیت کمتر و اجماع بیشتر) نظرات خود را در خصوص عوامل کلیدی مشخص نمایند. چستی عدم قطعیت و اهمیت عوامل کلیدی، در مبهم بودن رفتار عوامل کلیدی تأثیرگذار بر آینده موضوع تحقیق و طرح‌های سناریویی چهارگانه است. درصد عدم قطعیت هر یک از عوامل کلیدی با در نظر داشتن درصد احتمال وقوع آن عامل کلیدی در طرح سناریویی ذی‌ربط در افق زمانی موضوع تحقیق با استفاده از یک نمودار عمودی و افقی تعیین می‌شود. میزان احتمال وقوع یا عدم وقوع هر عامل کلیدی، بین صفر و یک یا ۱۰۰ در نوسان است و آن را با درصد احتمال وقوع نشان می‌دهند. زمانی که احتمال وقوع یک عامل کلیدی برابر صفر است، عدم وقوع آن عامل کلیدی حتمی است و عملاً عدم قطعیت آن نیز صفر است. به تدریج با افزایش میزان احتمال وقوع، میزان عدم قطعیت نیز افزایش پیدا می‌کند و در نهایت، در احتمال وقوع ۵۰ درصدی، عدم قطعیت عوامل کلیدی به حداکثر میزان خود می‌رسد. زمانی که احتمال وقوع یک عامل کلیدی، ۵۰ درصد تخمین زده شود، با بیشترین عدم قطعیت روبرو هستیم. با افزایش یا کاهش احتمال وقوع از ۵۰ درصد، عدم قطعیت رو به کاهش می‌گذارد. در احتمال وقوع ۱۰۰ درصدی یا یک که بیانگر قطعی بودن وقوع حادثه است در چنین شرایطی، عدم قطعیت برابر صفر است؛ یعنی قطعیت

کامل است. پس چنانچه احتمال وقوع واقعه‌ای برابر صفر یا یک باشد، عدم قطعیتی نیز وجود ندارد. با توجه به توضیحات ارائه‌شده نظرات نهایی خبرگان جمع‌آوری و با میانگین‌گیری از نظرات آن‌ها درصدهای اختصاص داده شده تعیین گردید.

جدول ۱۴- تعیین میزان عدم قطعیت عوامل کلیدی در سناریو اول بر اساس اهمیت کمتر و اجماع بیشتر

ردیف	عوامل کلیدی	میزان عدم قطعیت	توضیحات
۱	دستیابی به قرائت یکسان سیاسی - امنیتی منطقه‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس	٪۴۰	تحقق این سناریو ارتباط گریزناپذیری با این عامل کلیدی داشته و در اولویت اول عدم قطعیت و اهمیت قرار دارد.
۲	تأمین امنیت منطقه با همکاری کشورهای منطقه	٪۳۰	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه دوم قرار دارد.
۳	عدم حضور کشورهای فرامنطقه‌ای (آمریکا، انگلستان، کانادا و ...) در منطقه	٪۱۰	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه چهارم قرار دارد.
۴	رونق اقتصادی و اجتماعی در منطقه	٪۲۰	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه سوم قرار دارد.

(منبع: نویسنده)

با در نظر داشتن درصدهای عدم قطعیت درج‌شده در جدول بالا که حاصل اجماع نظر اعضا کارگروه خبرگان است، دستیابی به قرائت یکسان سیاسی - امنیتی منطقه‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس به‌عنوان عامل تأثیرگذار قوی ارزیابی شده و پس از آن، عامل کلیدی تأمین امنیت منطقه با همکاری کشورهای منطقه که منجر به تعریف و اجرایی‌گردیدن منافع فراملی می‌گردد در رتبه بعدی قرار داشته و عامل عدم حضور کشورهای فرامنطقه‌ای (آمریکا، انگلستان، کانادا و ...) در منطقه با نسبت تأثیر خیلی ضعیف در رتبه بعدی قرار می‌گیرند. به‌منظور بهره‌برداری مناسب از یافته‌های جدول بالا، مهم‌ترین عوامل کلیدی سناریو اول بر اساس میزان درصد عدم قطعیت، به شرح جدول ۱۵ تنظیم می‌شود:

جدول ۱۵- اولویت‌بندی عوامل کلیدی سناریو اول بر اساس میزان عدم قطعیت با توجه به اهمیت کمتر و اجماع بیشتر

اولویت	عوامل کلیدی	درصد عدم قطعیت
اول	دستیابی به قرائت یکسان سیاسی - امنیتی منطقه‌ای بین ایران و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس	٪۴۰
دوم	تأمین امنیت منطقه با همکاری کشورهای منطقه	٪۳۰
سوم	عدم حضور کشورهای فرامنطقه‌ای (آمریکا، انگلستان، کانادا و ...) در منطقه	٪۲۰
چهارم	رونق اقتصادی و اجتماعی در منطقه	٪۱۰

(منبع: نویسنده)

جدول ۱۶- تعیین میزان عدم قطعیت عوامل کلیدی در سناریو دوم بر اساس اهمیت کمتر و اجماع بیشتر

ردیف	عوامل کلیدی	میزان عدم قطعیت	توضیحات
۱	شکل‌گیری پیمان‌های نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس	٪۳۹	این عامل کلیدی با توجه به عدم قطعیت بالای آن؛ مهم‌ترین دلیل فاجعه‌بار بودن این سناریو است و به‌عنوان اولویت اول تحقق سناریوی دوم محسوب می‌شود.
۲	بحران آفرینی نظامی منطقه‌ای	٪۲۰	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه سوم قرار دارد.
۳	استقرار نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی کشورهای خلیج فارس	٪۲۳	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه دوم قرار دارد.
۴	تحمیل جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران	٪۱۸	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه چهارم قرار دارد.

(منبع: نویسنده)

با در نظر داشتن درصدهای عدم قطعیت درج‌شده در جدول بالا شکل‌گیری پیمان‌های نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس که در نهایت موجب ساختاربندهی ناتوی خلیج فارس می‌گردد با میزان عدم قطعیت بالا و کمترین میزان نفوذ جمهوری اسلامی ایران در

جلوگیری از تحقق آن در اولویت اول رتبه‌بندی عوامل کلیدی قرار دارد؛ در این میان عامل کلیدی تحمیل جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران با عدم قطعیت بسیار ضعیف و ضریب نفوذ بالای جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت در این سناریو در رتبه نهایی قرار دارد. به‌منظور بهره‌برداری مناسب از یافته‌های جدول بالا، مهم‌ترین عوامل کلیدی سناریو دوم بر اساس میزان درصد عدم قطعیت، به شرح جدول ۱۷ تنظیم می‌شود.

جدول ۱۷- اولویت‌بندی عوامل کلیدی سناریو دوم بر اساس میزان عدم قطعیت با توجه به اهمیت کمتر و اجماع بیشتر

اولویت	عوامل کلیدی	درصد عدم قطعیت
اول	شکل‌گیری پیمان‌های نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس	٪۳۹
دوم	بحران آفرینی نظامی منطقه‌ای	٪۲۰
سوم	استقرار نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه‌ی کشورهای خلیج فارس	٪۲۳
چهارم	تحمیل جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران	٪۱۸

(منبع: نویسنده)

جدول ۱۸- تعیین میزان عدم قطعیت عوامل کلیدی در سناریو سوم بر اساس اهمیت کمتر و اجماع بیشتر

ردیف	عوامل کلیدی	میزان عدم قطعیت	توضیحات
۱	تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس	٪۴۲	این عامل کلیدی با درصد عدم قطعیت خود به‌عنوان ریشه‌ای‌ترین تعارض منطقه‌ای موجب تحقق این سناریو می‌گردد.
۲	قطع روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس	٪۲۳	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه دوم قرار دارد.
۳	فراز و فرود تنش‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	٪۱۸	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه سوم قرار دارد.
۴	تحقق سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی	٪۱۷	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه چهارم قرار دارد.

(منبع: نویسنده)

با در نظر داشتن درصدهای عدم قطعیت درج‌شده در جدول بالا عامل کلیدی تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس با توجه به تفاوت‌های ماهیتی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عربی در کنار تعارض دیرینه هویت عربی با هویت ایرانی که متبلورکننده هویت شیعی در برابر هویت سنی است؛ منشأ تأثیرگذار اصلی در تحقق این سناریو است. به‌منظور بهره‌برداری مناسب از یافته‌های جدول بالا، مهم‌ترین عوامل کلیدی سناریو سوم بر اساس میزان درصد عدم قطعیت، به شرح جدول ۱۹ تنظیم می‌شود:

جدول ۱۹- اولویت‌بندی عوامل کلیدی سناریو سوم بر اساس میزان عدم قطعیت با توجه به اهمیت کمتر و اجماع بیشتر

اولویت	عوامل کلیدی	درصد عدم قطعیت
اول	تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس	٪۴۲
دوم	قطع روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس	٪۲۳
سوم	فراز و فرود تنش‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	٪۱۸
چهارم	تحقق سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای اسرائیل	٪۱۷

(منبع: نویسنده)

جدول ۲۰- تعیین میزان عدم قطعیت عوامل کلیدی در سناریو چهارم بر اساس اهمیت کمتر و اجماع بیشتر

ردیف	عوامل کلیدی	میزان عدم قطعیت	توضیحات
۱	شکل‌گیری نشست‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	٪۳۷	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه دوم قرار دارد.
۲	فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	٪۴۰	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه اول قرار دارد.
۳	فراهم شدن زمینه‌های خروج کشورهای فرامنطقه‌ای از منطقه	٪۱۰	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه چهارم قرار دارد.
۴	تعاملات رو به افزایش در جهت همگرایی اقتصادی و اجتماعی در منطقه	٪۱۳	عدم قطعیت این عامل کلیدی در مقایسه با سایر عوامل کلیدی در این سناریو در جایگاه سوم قرار دارد.

(منبع: نویسنده)

با در نظر داشتن درصدهای عدم قطعیت درج شده در جدول بالا که حاصل اجماع نظر خبرگان است دستیابی به عامل مهم فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای با بیشترین ابهام و مه آلودگی مواجه است؛ بنابراین عامل کلیدی یادشده مهم‌ترین دغدغه برای دستیابی به سناریوی وارد بر موضوع پژوهش را دارد، از این رو خبرگان بر این باورند که عامل یادشده، بیشترین تأثیر را در تحقق و یا عدم تحقق سناریو چهارم دارد. سایر عوامل کلیدی نیز به ترتیب دارای عدم قطعیت‌هایی به شرح درصدهای ثبت شده در جدول بالا هستند که هر کدام به نسبت دارای اثرگذاری و اثرپذیری خاصی، در اجرایی شدن سناریو چهارم می‌باشند. به منظور بهره‌برداری مناسب از یافته‌های جدول بالا، مهم‌ترین عوامل کلیدی سناریو چهارم بر اساس میزان درصد عدم قطعیت، به شرح جدول ۲۱ تنظیم می‌شود:

جدول ۲۱- اولویت‌بندی عوامل کلیدی سناریو چهارم بر اساس میزان عدم قطعیت با توجه به اهمیت کمتر و اجماع بیشتر

اولویت	عوامل کلیدی	درصد عدم قطعیت
اول	شکل‌گیری نشست‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	۳۷٪
دوم	فراهم شدن بستر همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	۴۰٪
سوم	فراهم شدن زمینه‌های خروج کشورهای فرامنطقه‌ای از منطقه	۱۰٪
چهارم	تعاملات رو به افزایش در جهت همگرایی اقتصادی و اجتماعی در منطقه	۱۳٪

(منبع: نویسنده)

۵- گام پنجم: منطبق‌دهی به سناریوها

در این گام از «زمان، چرایی و میزان اثرگذاری و اثرپذیری نیروهای پیشران بر یکدیگر بر اساس هر یک از عوامل کلیدی سناریوهای چهارگانه» اطلاع حاصل می‌کنیم. در ادامه به ترتیب اولویت تعیین شده برای عوامل کلیدی هر یک از طرح‌های سناریویی چهارگانه اقدام به تشکیل جداول اثرگذاری و اثرپذیری نیروهای پیشران به ازاء هر عامل کلیدی می‌شود تا از این طریق میزان اثرگذاری و اثرپذیری نیروهای پیشران مشترک برای چهار طرح سناریویی تعیین شود.

جدول ۲۲- اثرگذاری و اثرپذیری نیروهای پیشران طرح سناریو اول

ردیف	نیروهای پیشران اثرگذار / نیروهای پیشران اثرپذیر	دیپلماسی اقتصادی	امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)	ناتوی خلیج فارس	ائتلاف‌سازی تقابلی	واگرایی منطقه‌ای	جمع کل امتیاز نیروهای پیشران / تأثیرپذیر	میانگین امتیاز نیروهای پیشران / تأثیرپذیر
۱	دیپلماسی اقتصادی		۹	۳	۵	۳	۱۸	۴/۵
۲	امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)	۹		۳	۷	۳	۲۲	۵/۵
۳	ناتوی خلیج فارس	۷	۹		۵	۳	۲۴	۶
۴	ائتلاف‌سازی تقابلی	۷	۷	۵		۳	۲۲	۵/۵
۵	واگرایی منطقه‌ای	۵	۷	۳	۵		۲۰	۵
جمع کل امتیاز نیروهای پیشران اثرگذار		۲۸	۳۲	۱۴	۲۲	۱۲	مجموع میانگین‌ها	
میانگین امتیاز نیروهای پیشران اثرگذار		۷	۸	۳/۵	۵/۵	۳	۲۷	

(منبع: نویسنده)

با توجه به جدول ۲۲ برای عامل کلیدی اول در طرح سناریویی اول نیروی پیشران «امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)» بالاترین میزان اثرگذاری را دارد و نیروی پیشران «ناتوی خلیج فارس» بالاترین میزان تأثیرپذیری را به خود اختصاص داده است.

جدول ۲۳- اثرگذاری و اثرپذیری نیروهای پیشران طرح سناریو اول

ردیف	نیروهای پیشران اثرگذار / نیروهای پیشران اثرپذیر	دیپلماسی اقتصادی	امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)	ناتوی خلیج فارس	ائتلاف‌سازی تقابلی	واگرایی منطقه‌ای	جمع کل امتیاز نیروهای پیشران / تأثیرپذیر	میانگین امتیاز نیروهای پیشران / تأثیرپذیر
۱	دیپلماسی اقتصادی		۹	۳	۵	۳	۲۰	۵
۲	امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)	۹		۳	۷	۳	۲۲	۵/۵
۳	ناتوی خلیج فارس	۵	۷		۵	۳	۲۰	۵
۴	ائتلاف‌سازی تقابلی	۷	۹	۵		۳	۲۴	۶
۵	واگرایی منطقه‌ای	۵	۳	۳	۳		۱۴	۳/۵
جمع کل امتیاز نیروهای پیشران اثرگذار		۲۶	۲۸	۱۴	۲۰	۱۲	مجموع میانگین‌ها	
میانگین امتیاز نیروهای پیشران اثرگذار		۶/۵	۷	۳/۵	۵	۳	۲۵	

(منبع: نویسنده)

با توجه به جدول ۲۳، برای عامل کلیدی دوم در طرح سناریویی اول نیروی پیشران «امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)» بالاترین میزان اثرگذاری را به خود اختصاص داده است، ضمن اینکه نیروی پیشران «ائتلاف‌سازی تقابلی» از بیشترین مقدار تأثیرپذیری برخوردار است.

جدول ۲۴- اثرگذاری و اثرپذیری نیروهای پیشران طرح سناریو اول

ردیف	نیروهای پیشران اثرگذار / نیروهای پیشران اثرپذیر	دیپلماسی اقتصادی	امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)	ناتوی خلیج فارس	ائتلاف‌سازی تقابلی	واگرایی منطقه‌ای	جمع کل امتیاز نیروهای پیشران اثرپذیر	میانگین امتیاز نیروهای پیشران اثرپذیر
۱	دیپلماسی اقتصادی		۹	۷	۵	۳	۲۴	۶
۲	امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)	۹		۳	۵	۳	۲۰	۵
۳	ناتوی خلیج فارس	۷	۷		۵	۳	۲۲	۵/۵
۴	ائتلاف‌سازی تقابلی	۷	۵	۵		۵	۲۲	۵/۵
۵	واگرایی منطقه‌ای	۳	۳	۳	۳		۱۲	۳
	جمع کل امتیاز نیروهای پیشران اثرگذار	۲۶	۲۴	۱۸	۱۸	۱۴		۲۵
	میانگین امتیاز نیروهای پیشران اثرگذار	۶/۵	۶	۴/۵	۴/۵	۳/۵		۲۵

(منبع: نویسنده)

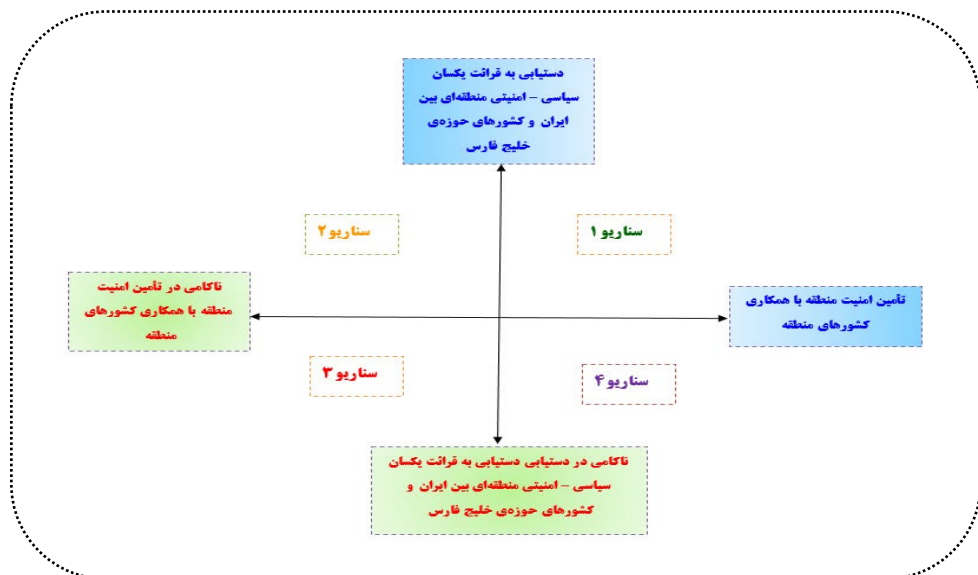
با توجه به جدول ۲۴، برای عامل کلیدی سوم در طرح سناریویی اول نیروی پیشران «دیپلماسی اقتصادی» بالاترین اولویت در میزان اثرگذاری میزان تأثیرپذیری را دارد.

با توجه به جدول ۲۵، برای عامل کلیدی چهارم در طرح سناریویی اول نیروی پیشران «امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)» بالاترین میزان اثرگذاری را دارد و نیروی پیشران «دیپلماسی اقتصادی» از بیشترین میزان تأثیرپذیری برخوردار است.

جدول ۲۵- اثرگذاری و اثرپذیری نیروهای پیشران طرح سناریو اول

ردیف	نیروهای پیشران اثرگذار / نیروهای پیشران اثرپذیر	دیپلماسی اقتصادی	امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)	ناتوی خلیج فارس	اتلاف‌سازی تقابلی	واگرایی منطقه‌ای	جمع کل امتیاز نیروهای پیشران / تأثیرپذیر	میانگین امتیاز نیروهای پیشران / تأثیرپذیر
۱	دیپلماسی اقتصادی		۹	۷	۵	۳	۲۴	۶
۲	امنیت همگرا (امنیت دسته‌جمعی)	۹		۵	۵	۳	۲۲	۵/۵
۳	ناتوی خلیج فارس	۵	۳		۳	۳	۱۴	۳/۵
۴	اتلاف‌سازی تقابلی	۵	۷	۵		۳	۲۰	۵
۵	واگرایی منطقه‌ای	۳	۵	۳	۳		۱۴	۳/۵
	جمع کل امتیاز نیروهای پیشران اثرگذار	۲۲	۲۴	۲۰	۱۶	۱۲		۲۳/۵
	میانگین امتیاز نیروهای پیشران اثرگذار	۵/۵	۶	۵	۴	۳		۲۳/۵

(منبع: نویسنده)



نمودار ۱- نمودار صلیبی دو عامل کلیدی تعیین‌شده بر اساس بیشترین میزان اثرگذاری و اثرپذیری نیروهای پیشران هر یک از چهار طرح سناریو

(منبع: نویسنده)

بر اساس محاسبات انجام شده برای جداول ۲۲ تا ۲۵ و با نظر تیم خبرگان، از میان (۱۶) عامل کلیدی، بر اساس اولویت تعیین شده، دو عامل کلیدی «دستیابی به قرائت یکسان سیاسی - امنیتی منطقه‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس» و «تأمین امنیت منطقه با همکاری کشورهای منطقه» در چهار طرح سناریویی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته و دارای بیشترین میزان عدم قطعیت مؤثر بر سناریوها هستند. دو عامل کلیدی مذکور در نمودار صلیبی شماره ۱ رسم گردیدند. در نمودار مذکور وضعیت هر یک از سناریوهای چهارگانه بر اساس وضعیت جانمایی دو عامل کلیدی یکبار در حالت مثبت و یکبار در حالت منفی منتج به چهار نوع سناریو در چهار ربع نمودار می‌گردد.

جانمایی چهار سناریو اصلی موضوع تحقیق طبق نمودار صلیبی نمودار به شرح جدول ۲۶ است.

جدول ۲۶- جانمایی چهار سناریو اصلی موضوع تحقیق طبق نمودار صلیبی

ردیف	عنوان طرح اصلی سناریو	نوع سناریو
۱	استقرار نظام سیاسی - امنیتی منطقه‌ای همگرا	معجزه‌آسا
۲	ناتوی سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	فاجعه‌آمیز
۳	جدال پایدار سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	بدبینانه
۴	توافق پایدار سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	خوش‌بینانه

(منبع: نویسنده)

۶- گام ششم: پربار کردن سناریوها

۶-۱- سناریو اول: استقرار نظام سیاسی - امنیتی منطقه‌ای همگرا

عمده‌ترین نگرانی کشورهای حوزه خلیج فارس بحث امنیت است که جمهوری اسلامی ایران با همکاری بین دولت‌ها و با به‌کارگیری اعتمادسازی متقابل این مهم را حاصل نموده است. از سوی دیگر با توجه به اهمیت انرژی در جهان، امنیت منطقه‌ای منجر به اتخاذ راه‌حل اجتناب‌ناپذیر همگرایی منطقه‌ای با محوریت اتحاد راهبردی و شرکت همه قدرت‌های کرانه‌ای خلیج فارس شده است. جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر سیاست نفی حضور نیروهای خارجی در منطقه به‌ویژه رژیم صهیونیستی، کشورهای منطقه را به همکاری با یکدیگر در چارچوب اجماع نظر هماهنگ به‌منظور

دستیابی به مفهوم و ماهیت توسعه، ثبات و تفاهم متقابل سوق داده است. با توجه به شرایط جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و راهبردی مشترک کشورهای منطقه خلیج فارس، حصول به دو هدف اساسی «امنیت» و «منافع ملی کشورها» در سایه وحدت و هویت منطقه‌ای میسر گردیده، به طوری که جذابیت ارتقاء سطح روابط سیاسی با رژیم صهیونیستی را به شدت تحت الشعاع قرار داده است. کشورهای منطقه روابط سیاسی - امنیتی خود را بر پایه اعتماد متقابل، گسترش منافع و همکاری مشترک بنا نهاده‌اند.

شاخص‌های راهنما منتج از سناریو عبارتند از:

- برقراری همکاری منطقه‌ای و ایجاد فضای اعتماد در بین آن‌ها؛
- حصول به دو هدف اساسی «امنیت» و «منافع ملی کشورها» در سایه وحدت و هویت منطقه‌ای؛
- بنا نهادن روابط سیاسی - امنیتی بر پایه اعتماد متقابل، گسترش منافع و همکاری مشترک.

۶-۲- سناریو دوم: ناتوی سیاسی - امنیتی منطقه‌ای

در افق زمانی مدنظر پژوهش ائتلاف عربی - عبری شکل گرفته و جایگزین خروج نیروهای آمریکایی از منطقه شده است. خروج آمریکا از منطقه و کاهش حمایت از کشورهای عربی در سایه هسته‌ای شدن ایران، باعث ایجاد حس ناامنی در منطقه شده و کشورهای عربی را به سمت تشکیل ائتلاف با رژیم صهیونیستی سوق داده است. رژیم صهیونیستی هم سیاست تقابل با تهدیدات جمهوری اسلامی ایران را در پیش گرفته است و با برقراری ارتباط فی‌مابین با کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس در قالب ائتلاف خودنمایی کرده که منجر به ایجاد تهدید مشترکی به نام جمهوری اسلامی ایران برای تمام کشورهای منطقه شده است. در مقابل جایگاه رژیم صهیونیستی در حوزه مسئولیت سنتکام تحکیم شده و با انجام رزمایش و مأموریت‌های احتمالی با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در بستر ناتوی خلیج فارس و حمایت اطلاعاتی آمریکا سیر صعودی داشته است. حضور نظامی رژیم صهیونیستی در حوزه فرماندهی سنتکام زمینه تشکیل ناتوی خلیج فارس را بهبود بخشیده و از این طریق راهبرد مرگ با هزار زخم اجرایی گردیده است که هدف از این راهبرد جنگ ترکیبی در چند جبهه با هدف فروپاشی جمهوری اسلامی ایران از درون بوده است. عملکرد نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با گروهک‌های تروریستی - تکفیری در منطقه شامات فضای مناسبی را در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داده و به واژه ناتوی عربی - عبری یا ناتوی خلیج فارس مشروعیت

بخشیده است و مانند گذشته مقاومت سیاسی در خصوص برقراری روابط با رژیم صهیونیستی وجود ندارد.

شاخص‌های راهنما منتج از سناریو:

- تشکیل ائتلاف عربی - عبری در افق زمانی مدنظر پژوهش؛
- تبلیغ و ترویج ایجاد حس ناامنی در منطقه در سایه هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران؛
- تحکیم جایگاه رژیم صهیونیستی در حوزه مسئولیت سنتکام؛
- ایجاد زمینه‌های تشکیل ناتوی خلیج فارس در منطقه.

۶-۳- سناریو سوم: جدال پایدار سیاسی - امنیتی منطقه‌ای

گسل‌های تعاملی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس عمیق‌تر شده و هویت جدید عربی با تمایل به رژیم صهیونیستی در سایه ائتلاف عربی - عبری ایجاد شده با هویت ایرانی در تعارض بوده و به تبع آن هویت شیعی در برابر هویت سنی قرار گرفته که این تعارض هویت‌ها، منجر به واگرایی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شده است. رژیم صهیونیستی توانسته است درک مشترکی از تهدید جمهوری اسلامی ایران را برای کشورهای منطقه ایجاد نماید و آن را از تهدید ماهیتی به تهدید موجودیتی تبدیل نماید. سطح مناسبات و یکپارچگی اقتصادی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عربی خلیج فارس به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. در سایه توافقات عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه تغییر یافته است. تعمیق روابط میان اعراب و رژیم صهیونیستی و از سوی دیگر با آمریکا به گونه‌ای پیش رفته که تا جمهوری اسلامی ایران روابط خود را با آمریکا بهبود نبخشد، آمیدی به برقراری ارتباط فی‌مابین با کشورهای همسایه باقی نمانده است. واگرایی منطقه‌ای کشورهای حاشیه خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران شکل جنون‌آمیزی به خود گرفته و این عملکرد ناظر بر رفتار دوری‌گزینی کشورها و دولت‌ها منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران بوده است.

شاخص‌های راهنما منتج از سناریو عبارتند از:

- کاهش روابط و تعاملات جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه؛
- واگرایی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در سایه ائتلاف عربی - عبری؛
- تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران از تهدید ماهیتی به تهدید موجودیتی برای کشورهای منطقه.

۶-۴- سناریو چهارم: توافق پایدار سیاسی - امنیتی منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران به واسطه ملاحظات راهبردی و اقتصادی، همکاری سیاسی و اقتصادی خود را با کشورهای حوزه خلیج فارس برقرار نموده است. این امر موجبات برقراری شکل‌گیری نشست‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای شده است. افزایش تعاملات طرفین منجر به کاهش حضور رژیم صهیونیستی در روابط بین کشورها گردیده و کشورهای عربی به اصل مخالفت خود با آن برگشته‌اند و بسترهای همکاری‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای فراهم شده است. رقابت‌های منفی تبدیل به رفاقت و تعامل مثبت گردیده و به تبعیت از دیدگاه استقرایی هزینه به فایده، بروز بی‌رغبتی نسبت به ارتقاء روابط سیاسی - امنیتی بین اعراب و رژیم صهیونیستی ایجاد شده است به طوری که رژیم صهیونیستی به انزوای سیاسی در منطقه فرورفته است. افزایش سطح تعاملات منطقه‌ای منجر به ترک کشورهای فرامنطقه‌ای گردیده است. جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از قدرت نرم، نگرش دولت‌ها و ملت‌های منطقه را به سمت همکاری‌های امنیتی - منطقه‌ای سوق داده است که این امر منجر به تعاملات رو به افزایش در جهت همگرایی اقتصادی و اجتماعی در منطقه شده است.

شاخص‌های راهنما منتج از سناریو عبارتند از:

- شکل‌گیری نشست‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای به منظور تقویت روابط و تعاملات فی مابین جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه؛
- کاهش حضور رژیم صهیونیستی در روابط بین کشورهای منطقه خلیج فارس؛
- به انزوای سیاسی فرستادن رژیم صهیونیستی در منطقه و خروج نیروهای فرامنطقه‌ای.

۷- بررسی و اولویت‌بندی سناریوها

بعد از تهیه و تدوین سناریوهای چهارگانه، با رجوع به عنوان سناریوهای چهارگانه ترسیم شده، اقدام به اولویت‌بندی سناریوها می‌شود تا از این طریق امکان پایش مستمر ظهور و بروز سناریوها در افق زمانی ۱۴۰۷ تعیین شود و تخصیص منابع در این راستا امکان‌پذیر گردد (جدول ۲۷). برای این منظور ترجیح‌های قضائوتی ارزیابی وضعیت سناریوهای چهارگانه به صورت کم‌ترین (۱)، کم (۳)، متوسط (۵)، مناسب (۷) و بیشترین (۹) و با اخذ نظر کارشناسی خبرگان در نظر گرفته می‌شود. برای این کار بعد از جمع‌آوری نظرات خبرگان بر اساس خاصیت مُد در داده‌های آماری هر نظری که در بین نظرات ایشان از بیشترین تکرار برخوردار بود، مدنظر قرار گرفت.

جدول ۲۷- ارزیابی وضعیت سناریوهای چهارگانه

سناریوها				ویژگی سناریوهای تهیه شده	ردیف
اول	دوم	سوم	چهارم		
۳	۹	۷	۳	آیا سناریو موجه و قابل قبول است؟ (امکان وقوع دارد؟)	الف
۷	۹	۵	۵	آیا سناریو جهت تصمیم‌گیری‌ها مؤثر واقع می‌شود؟	ب
۷	۹	۷	۷	آیا در سناریو چالش‌های آینده موضوع پژوهش به چشم می‌آید؟	پ
۹	۷	۵	۷	آیا سازگاری درونی در اجزاء تشکیل‌دهنده سناریو مشاهده می‌شود؟	ت
۹	۷	۷	۷	آیا روابط علی و معلولی در سناریو رعایت شده است؟	ث
۳۵	۴۱	۳۱	۲۹		جمع

(منبع: نویسنده)

با ارزیابی صورت پذیرفته بر حسب فاکتورها و ویژگی‌های ۵ گانه مندرج در جدول ۲۷ سناریوی اول با بیشترین امتیاز در اولویت اول قرار می‌گیرد و به ترتیب سناریوهای دوم، سوم و چهارم در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

فصل مشترک سناریوها در جدول ۲۸ نشان داده شده است.

جدول ۲۸- تعیین فصل مشترک بین سناریوهای چهارگانه

سناریوها					
اول	دوم	سوم	چهارم		
اول	۱	۳	۵	سناریوها	
دوم		۳	۱		
سوم	۳		۳		
چهارم	۵	۱			

(منبع: نویسنده)

نتایج حاصله از جدول تعیین فصل مشترک بین سناریوها حاکی از وجود فصل مشترک و یا اشتراکاتی در بین سناریوها هر چند در مواردی بسیار کم است. در جدول ۲۹ میزان اثرگذاری و وقوع احتمالی سناریوهای چهارگانه تشخیص داده می‌شود.

جدول ۲۹- تشخیص میزان اثرگذاری و وقوع احتمالی سناریوهای چهارگانه

سناریو	نام سناریو	نوع سناریو	میزان اثرگذاری	نتیجه اولویت‌بندی
۱	استقرار نظام سیاسی - امنیتی منطقه‌ای همگرا	معجزه‌آسا	خیلی ضعیف	اولویت چهارم
۲	ناتوی سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	فاجعه‌آمیز	ضعیف	اولویت سوم
۳	جدال پایدار سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	بدبینانه	متوسط	اولویت دوم
۴	توافق پایدار سیاسی - امنیتی منطقه‌ای	خوش‌بینانه	قوی	اولویت اول

(منبع: نویسنده)

نتایج اولویت‌بندی سناریوهای چهارگانه برابر جدول بالا سناریو اول (استقرار نظام سیاسی - امنیتی منطقه‌ای همگرا) در اولویت چهارم، سناریوی دوم (ناتوی سیاسی - امنیتی منطقه‌ای) در اولویت سوم، سناریوی سوم (جدال پایدار سیاسی - امنیتی منطقه‌ای) در اولویت دوم و سناریو چهارم (توافق پایدار سیاسی - امنیتی منطقه‌ای) در اولویت اول قرار دارد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش که مبتنی بر روش سناریونویسی با رویکرد کمی است و از الگوی سناریوپردازی پیترو شوارتز بهره گرفته شد، تلاش شد ضمن شناسایی مهم‌ترین عوامل کلیدی با عدم قطعیت‌ها و اثرگذاری بالا بر موضوع پژوهش، چهار طرح سناریویی، نیروهای پیشران اثرگذار و اثرپذیر مرتبط نیز شناسایی شوند تا امکان نگارش سناریوهای باورپذیر فراهم گردد. تمام این سناریوها با هم غیرقابل جمع هستند، برخی از آن‌ها می‌توانند با هم تلفیق شده و نتایج متفاوتی به وجود بیاورند؛ اما نتیجه این سناریوها و موضوع مورد پژوهش شرایط حساسی را در منطقه رقم خواهد زد. استفاده مناسب و بهینه جمهوری اسلامی ایران از این شرایط می‌تواند آن را به سمت‌وسوی تعاملات حداکثری و برقراری روابط با کشورهای منطقه سوق دهد و یا اینکه آن را به انزوای کامل ببرد.

تشکیل مثلث عربی، عبری و غربی در منطقه، پیامدهایی را برای کشورهای منطقه غرب آسیا در پی خواهد داشت و در این بین هر چند که این مثلث هم تشکیل نشود اما برقراری طرح ناتوی عربی - عبری می‌تواند منجر به تغییر شدید موازنه قوا در منطقه شود. بر کسی پوشیده نیست که در پشت پرده طرح ناتوی عربی - عبری می‌توان دست‌های پیدا و پنهان رژیم صهیونیستی را یافت که با هدف

همگرایی کشورهای عربی با خود در پی تحقق آن بوده و این امر می‌تواند تهدیدات امنیتی ویژه‌ای را علیه منافع جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد. این رخداد امکان ایجاد تنش‌هایی را علیه جمهوری اسلامی ایران و حتی کشورهایمانند ترکیه و روسیه به‌عنوان بازیگران اصلی منطقه به‌ویژه در دو کشور سوریه و عراق در پی خواهد داشت و اگر این طرح (ناتوی عربی - عبری) به وقوع بپیوندد، امکان ایجاد رادیکالیزه شدن امنیت در منطقه غرب آسیا متصور است.

با توجه به آنچه عنوان شد پیشنهاد می‌گردد:

- با توجه به حضور رژیم صهیونیستی در حوزه فرماندهی پیش‌گفته و تبعاتی که می‌تواند این حضور برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی امنیتی و نظامی کشور رویکرد آینده‌نگرانه لحاظ گردد؛
- توجه به تهدیدها و فرصت‌های مطرح در رابطه با حضور رژیم صهیونیستی می‌تواند در آینده‌نگاری راهبردی و اتخاذ تصمیمات راهبردی توسط مسئولین کشور راهگشا باشد؛
- تقویت سیاست همسایگی در بازارهای منطقه‌ای، باعث افزایش نفوذ ایران در منطقه و تثبیت دامنه نفوذ اقتصادی و تجاری در اقتصاد کشورهای همسایه می‌شود، این مهم نیازمند سیاست خارجی پویا و تقویت دیپلماسی اقتصادی است؛
- ایجاد شبکه‌ای از روابط راهبردی با محوریت کشورهای دوست و خصوصاً همسایگان با توجه به بسترهای مشترک تاریخی و فرهنگی؛
- استفاده از ظرفیت رسانه‌ای و بهره‌مندی از شبکه‌های برون مرزی برای نشان دادن توانمندی‌های تجاری واقعی ایران به ملت‌های منطقه؛
- استفاده از بستر سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای در جهت ارتقاء تعامل سیاسی - امنیتی با کشورهای همسایه.

منابع

الف - منابع فارسی

- آدمی، علی. کشاورز مقدم، الهام. (۱۳۹۴). جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۴(۲)، صص ۱-۱۹.

- اختیاری امیری، رضا. (۱۴۰۰). دیپلماسی صلح عبری-عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات علمی خاورمیانه*، ۲۸(۴)، صص ۲۱-۴۰.
- بل، وندل. (۱۳۹۸)، *مبانی آینده‌پژوهی - علم انسانی برای عصری جدید*، ترجمه مصطفی تقوی، محسن محقق، چاپ چهارم، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، نشر مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- بوزان، باری؛ و ویور، الی (۱۳۹۸). *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمن قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی (نشر اصلی ۲۰۰۳).
- پدرام، عبدالرحیم؛ و احمدیان، مهدی. (۱۳۹۴)، *آموزه‌ها و آزموده‌های آینده‌پژوهی*، چاپ اول، تهران: نشر موسسه افق راهبردی.
- پدرام، عبدالرحیم؛ و زالی، سلمان. (۱۳۹۷)، *الگوی نوین برای سناریونویسی در موضوعات راهبردی (مطالعه موردی: سناریوهای آینده بحران سوریه)*، فصلنامه *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۷(۲)، صص ۱-۲۶.
- تبشیری، حمیدرضا؛ و رفیعی بصیری، مرتضی. (۱۴۰۱). تحلیل نظری بر شکل‌گیری توافقنامه ابراهیم. *دوفصلنامه شاهد اندیشه*، ۳(۲)، صص ۲۹۵-۳۱۴.
- جلالی، رضا؛ و مجد، مهدی. (۱۳۹۵). *نظم نوین جهانی و تأثیر آن بر منطقه خاورمیانه بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰*. فصلنامه *مطالعات روابط بین‌الملل*، ۹(۳۴)، صص ۴۳-۶۴.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام؛ و روستایی، مجتبی. (۱۳۹۸). موازنه تهدید و اتحاد اعراب و اسرائیل در برابر محور مقاومت. *مطالعات علمی خاورمیانه*، ۲۶(۳)، صص ۱۱۳-۱۳۴.
- زارعی، غفار. فدایی دولت، غلام‌عباس؛ و نریمانی، حسن. (۱۳۹۹). بررسی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰. *مطالعات منافع ملی*، ۲۰(۵)، صص ۱-۲۲.

- رضایان قیه باشی، احد. پورعزت، علی اصغر؛ و سرمست، بهرام. (۱۳۹۶)، ارائه چارچوبی برای مطالعه شگفتی‌سازهای نظامی - دفاعی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی*، ۲(۷)، صص ۱۰۳-۱۲۸.
- ساسانیان، سعید. (۱۳۹۸). تأثیر مشروعیت اجتماعی حزب‌الله لبنان بر بازدارندگی آن در مقابل رژیم صهیونیستی. *جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۷(۱۴)، صص ۲۶۹-۲۹۸.
- سنایی، اردشیر. (۱۳۹۰). چارچوبی تحلیلی برای بررسی روابط ترکیه و اسرائیل پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۰-۲۰۰۲). *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۴(۱۶)، صص ۱۵۱-۱۸۰.
- شوارتز، پیتر. (۱۳۹۰)، *هنر دورنگری: برنامه‌ریزی برای آینده در دنیایی با عدم قطعیت*، ترجمه عزیز علیزاده، چاپ اول، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- عرب پور، محمد حسن. مطهرنیا، مهدی؛ و جاودانی مقدم، مهدی. (۱۴۰۱). *آینده‌پژوهی ائتلاف عبری - عربی و سناریوی محتمل اثرات آن بر امنیت ملی ج.ا. ایران. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۱)، صص ۵۱۹-۵۳۹.
- کلهر، علیرضا. قاسمی، بهزاد. (۱۴۰۱). *مطالعه تطبیقی تحولات سیاسی مصر و سوریه بر اساس مفهوم بیداری اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، ۱۰(۲۱)، صص ۱۹۷-۲۲۸.
- نورمحمدی، مرتضی؛ و فصیحی دولتشاهی، محمدعارف. (۱۳۹۷). *کاربست نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در تحلیل مسائل و الگوهای روابط در جنوب آسیا. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۰(۲)، صص ۱۵۳-۱۸۹.

ب- منابع انگلیسی

- Al Sarhan, A. S. (2017). United States foreign policy and the Middle East. *Open Journal of Political Science*, 7(04), Page 454.
- Buzan, Barry; Waver, Ole. (2003). *Regions and Powers*. The Structure of International Security, Cambridge: Cambridge University Press.
- Dermer, P. J. (2020). Trip Notes on a Return to Israel and the West Bank: Reflections on US Peacemaking, the Security Mission, and what should be done. *Journal of Palestine Studies*, 39(3), Pages 66-81.
- Hughes, S. S. (2020). Unbounded territoriality: Territorial control, settler colonialism, and Israel/Palestine. *Settler Colonial Studies*, 10(2), Pages 216-233.
- McInnis, K. J., & McGarry, B. W. (2022). *United States Central Command*. Congressional Research SVC.
- Sanaei, A., & Kavianpoor, M. (2011). The Behavior Study of foreign policy of the Islamic Republic of Iran toward crises inside Chechnya; Bosnia; Palestine in the form of Ideology and National Interest. *Research Letter of International Relations*, 3(13), Pages 203-228.
- Williamson, J. W. (2010). The relevance of central command for the neural cardiovascular control of exercise. *Experimental physiology*, 95(11), Pages 1043-1048.